

# تکمله‌ای تخریج تاریخ در نظم

(۷)

۵- این قصیده در تاریخ وصال حضرت غوث التقین رحمة الله عليه است که اولاً مولف ادعا دارد که از هر فقره نتر آن تاریخ می برد آید و بعد آمینویس که از تمام قصیده ۱۳ بیتی ۱۳۲۶ تاریخ برمی آید بدین نهنج :- که از هر یکی ازین ۲۶ مصraig تاریخی پیدا آید، پس ۲۶ مصraig ۲۶ تاریخ باشد واز انضمام منقوطه مصraig نخستین ازین ۲۶ مصraig با منقوطه هر یکی از مصraig ۲۵ گانه ۲۵ تاریخ حاصل شود و از انضمام غیر منقوطه آن با غیر منقوطه هر یکی از مصraig ۲۵ گانه با فیض ترتیب ۲۵ تاریخ حاصل گردد واز انضمام منقوطه آن با غیر منقوطه هر یکی از مصraig ۲۵ گانه با فیض نیز ۲۵ تاریخ حاصل شود واز انضمام غیر منقوطه آن با منقوطه هر یکی از مصraig ۲۵ گانه با فیض نیز ۲۵ تاریخ حاصل گردد پس از انضمام مصraig با منقوطه هر یکی از مصraig ۲۵ گانه با فیض که مذکور شد (۱۰۰) تاریخ حاصل گردد زیرا که آن انضمام مشتمل نخستین با مصraig با فیض بطریق که مذکور شد (۱۰۰) تاریخ حاصل گردد و از انضمام مصraig سوم با مصraig ۲۴ بر یکصد انضمام است که هر یکی از آن مظاهر تاریخی است واز انضمام مصraig چهارم با مصraig ۲۴ گانه با فیض نیز بروشی که ذکر یافت ۶۹ تاریخ حاصل شود واز انضمام مصraig سوم با مصraig ۲۳ گانه با فیض با سلوب مزبور ۹۲ تاریخ حاصل گردد و از انضمام مصraig چهارم با مصraig ۲۲ گانه با فیض بطریق مسطور ۸۸ بین متوازن تواریخی که حاصل شود از انضمام هر مصraigی که بعد ازین اعتبار کشند با مصraigی که مؤخر است از آن کمتر باشد بهار از تواریخی که حاصل شده باشد از انضمام مصraigی که مقدم است بران یک مرتبه با مصraigی که مؤخر است از آن مصraig مقدم تا آنکه منتهی گردد سلسله این ترتیب با انضمام مصraig ۲۵ با مصraig ۲۶ بطریق مذکور واز این انضمام چهار تاریخ حاصل گردد و از همه این انضمامات ۱۳۰۰ تاریخ حاصل شود و حاصل این انضمامات با ۲۶ تاریخ که از تمام قصیده ۱۳ بیتی حاصل است ۱۳۲۶ تاریخ باشد.

الف فقرات، که هر جمله حاوی تاریخ و مطابق عدد ۵۶۱ است که جمله جمله داخل فوس آورده می‌شود :-

(بسم الله العجليل الرحيم)

- ( وسلام مکمل على نبی معبد ) ر الحمد لله المبین القوى الموجود )
- ( وعلی آل کریم عزیز الوجود ) ( وعلی اصحاب یا کث ازداد مهر وجود )
- ( شمس جود فطلب بلا د ) (اما بعد این قصیده در مدح عالی نهاد )

- ( عالی جناب مالک رفاب )
- ( سلطان العار فین )
- ( سلطان عبد القادر )
- ( عالی جناب مالک رفاب )
- ( زبده مسلمین سلطان معن الدین )
- ( پیر والا جناب نادر )
- ( فقیس الله سره الا جل )

ب : فصیده طوری که تحریر یافت حاوی عدد ۶۱ میباشد .

پناه اهل بقا ابر جودو نیست بیان  
عزیز و قطب مکان اب عهد و نوح جهان  
کلیم و قطب امان اب ملک وزین اوان  
مآب حلم و یقین مجد مجدانس و جان  
ابیب و قطب جهان اب ملک و دین سلطان  
معزو کوکب و حق بین و والی انسان  
معین وزیر اوان ماه کل و قطب مهان  
نجیب و قطب اوان صبح طبع و بوح مکان  
مه جهان یقین مجد ملک کعبه جان  
قبول و زیر همان بوح ملک امن و امان  
و حبیدو جان و مان اب ملک صدق زبان  
فوی وزین ولا باب علم احسان کان  
معرو و قطب جهان کوه حنم زیر جنان

اساس حلم و حبا دین پناه و قطب زمان  
و حبیدو قطب زمان دل کلیم احمد قلب  
نجیب اهل جهان کام جام و عبسی قال  
پناه و قطب زمان ماه ملک معن الدین  
قبول و جان مهان جسم کام جيلا نی  
قبول و قطب اوان اهل عزو موسی ید  
مآب وزین ملک اهل دل لقب قدیمی  
پناه ملک یقین ماه زهر بن صالح  
ولی و قطب زمان ماه عبد قبله دل  
و حبیدو مامزین کام ملک قطب اقطاب  
پناه کل زمین کوه عدل و قطب الدین  
نجیب و قطب ملک بوح ملک حق محظوظ  
جنید و مجد زمان جان جم قبله دل

۶ - این فصیده درده بیت و بطریق مهمله هر مصروع حاوی بر عدد ( ۱۰۶۹ ) تاریخ  
جلوس اور نگه دیز عالمگیر است *که علوم انسانی و مطالعات فرنگی*

مه ملوک امم مهرسا طبع اسرار صاحب علوم امام عهد و عمر [رض] عدل و اسوه اخرار  
مه ممالک ام خوارس احصار سواد مردمک ملک و سرور اسلام  
امام دادگر و مام دور مهر مدار حصار عدل و عطا ملک علم و حلم و کرم  
مطاع و سرور اصلاح سلاله اطهار سرور عالم دل ماه طارم اسلام  
مد ار دار اهل مهر اکتمل ادوار سوار عرصه علم و عمداد اهل عمل  
امام عالم دل مام سر مدد اسرار مدار عصر مه غہد حاکم دوسرا  
امام واسلاح و علام در عطا کرار سرور عالم و آدم عداد اهل کرم  
سر ملوک و ممل مکرم ملک اطوار سوار عرصه ذلها سلاله دو سرا  
اسان اهل هم اکتمل عمر (رض) کردار سرور عهدو امم ممالک عطاو کرم  
عماد هردو سرا اعدل امم سلاط سواد اوچ عطا مهر عصر و محوزداد

۷ - این فصیده نیز در تاریخ جلوس عالمگیر است که هر مصروع علیحده و حروف  
منقوط و حروف غیر منقوط هر بیش علیحده مبشر تاریخ و حاوی عدد ( ۱۰۶۸ ) مشتمل بر  
۲۰ بیت است .

عماد حلم و عطا دستگیر اهل جهان  
شهاب جودو عطا یادشاه نا موران  
مطاع ملک شهنشاه سایه سبحان  
سمای مجدو عطا قبله کاه تاجوران  
ایتاب سلطنت اور نگث زیر قطب زمان  
سود لوح ودل یادشاه ملک ستان  
شہ مہان و ملک قدر صاحب احسان  
ولی اهل جهان و شمنشہ دوران  
جهان عدل شرف بر گزیده یزدان  
م آب هر دو جهان نور عین شاهجهان  
جات اهل زمین یادشاه کون و مکان  
ملک فیاس و فیلک فدرو نائب رحمان  
معین روی زمین نیکنام شاه زمان  
جهان جودو سخا آسمان ندیده چنان  
تو داور دو جهان من قابل احسان؟  
طراف اهل هم جم صفت یناه جهان  
امام دهر ز بیتی چهار گونه بدان  
مدار اهل زمین باد تا بود دوران  
شہ ملکوک و میر بسی با فر گپلان

جهان بحکم توبادای امیر کون مکان  
بزرگث پادشاه ماه عربا کرم ملک  
جواد جمله شهبان اعدل ملک کردار  
روان سلطنت و اهل دل مه عالم  
شهاب روی زمین هادملک مهر کلاه  
سحاب مجدو کرم یادشاه عالم کبر  
حیات روی زمین مالک ممالک عدل  
شہ سپهر جلاز و مدار ملک کمال  
مدار ملک و عمل آفتاب اهار زمین  
ستون امن وامان داور ملک آسا  
دری زبحر یقین ماه ملک و مهر عطا  
سخنی جمله جهان و سلامه صلح  
لبیب ملک ستان کوه حلم اعدل دهر  
قوام امن و امن ماه عصر مهر اصم  
معین آشور جان ماه ساطع اسلام  
جلوس شاه همانیون مقام عالم کبر  
مبیع ملک علا جم نگین و موسی دست  
شفیع و قطب زمان ماه عهد کامروا  
عماد عدل و عطا سجد، کاه هفت افلم

۸ - این فصل در ۱۵ بیت حاوی تاریخ طبع ۱۷۷۰<sup>۱</sup> عزیمت حج شیخ میر ابراهیم  
ابن شیخ میر که از اعاظم سادات و مشائخ بوده میباشد که فرات تر آغاز آن هر جمله  
که در قویس گرفته میشود بیز علاوه مظہر تاریخ مذکور است و از ۱۵ بیت مذکور

( ۱۷۷۰ ) تاریخ یهین نهیج استخراج می شود که از هر یکی ازین سی مصraig سی تاریخ  
بر آید واز انضمام منقوطه مصرع نخستین با تقوطه هر یکی از مصاریع ۲۹ کانه نیز ۲۹  
تاریخ حاصل شود واز انضمام غیر منقوطه آن با غیر منقوطه هر یکی از مصاریع ۲۹ کانه  
با قیه نیز ۲۹ تاریخ حاصل گردد و از انضمام منقوطه هر یکی از مصاریع  
۲۹ گانه با قیه نیز ۲۹ تاریخ سائل شود و از انضمام غیر منقوطه آن با منقوطه هر یکی  
از مصraig ۲۹ کانه با قیه نیز ۲۹ تاریخ حاصل گردد یعنی از انضمام مصراع نخستین با مصارع  
با قیه بطریق که مذکور شد ۱۱۶ تاریخ حاصل گردد ذیرا که آن انضمام مشتمل بر ۱۱۶  
انضمام است که هر یکی از آن مظہر تاریخی است و از انضمام مصرع دوم با مصاریع  
۲۸ گانه با قیه بروشی که ذکر یافت ۱۱۲ تاریخ حاصل شود و از انضمام مصرع سوم با  
مصطفایع ۲۷ گانه با قیه بطریق مذکور ۱۰۸ تاریخ حاصل گردد و از انضمام مصرع چهارم  
با مصاریع ۲۶ گانه با سلوب مذکور ۱۰۴ تاریخ حاصل گردد.

و بین منوال تواییغی که حاصل شود از انضمام مصراعی که بعد ازین اعتبار گشته با مصارع یادیگر است از آن کمتر پسند بچهار از تواریخی که حاصل شده باشد از انضمام مصراعی که مقدم است برآن پیش مرتبه با مصارعی که مؤخر است از آن مصراع مقدم، تا آنکه منتهی گردد سلسله این ترتیب را انضمام مصراع [۲۹] بد [۳۰] بطريق مذکور و ازین انضمام چهار تاریخ حاصل گردد و از همه انضمامات [۱۷۴۰] تاریخ حاصل شود و حاصل این انضمامات پاسی تاریخ که از تمام قصیده ۱۵ بیتی حاصل است [۱۷۷۰] تاریخ بحصول آید.

### الف : فرات نثر آغاز :

- [ بسم الرحمن الرحيم الوهاب البافى العظيم ]
- [ الحمد لله الواسع الدرا فمع المشهود ] [ و در و دنام عدو د برجهان پیناه بر گزیده معبود ]  
 [ و بر آل آن فطلب افلات نبوت عزیز الوجود ] [ و بر اصحاب ماه افلات اهل مهر سپهر جود ]  
 [ امام بعد این قصیده که در مدح نقد دوران ] [ ناصر گیتی صاحب زاده جهان و جهانیان ]  
 [ سرور اهل نجلات و احسان ] [ رهبر سادات زمین و زمان ]
- [ محمد کرم و شوست ] [ شه دین بد ر حلقت ]  
 [ کوکب اوچ فتوت و اقبال ] [ حیدر قدرت سعادت نوال ]  
 [ یوسف کوئین حیدر صفت ] [ حمیده فعال عمر صولت ]  
 [ وزیر سما سده قدس منزلت ] [ سعادت علم و نوال و شجاعت ]  
 [ صدر اشراف و عالمیان ] [ قدس منزلات امام سران ]  
 [ زبده ابرار محمد صفت ] [ حیدر نژاد عالی فطرت ]  
 [ شمس پادشاهی و داش ] [ سر اهل هدایت و بیشن ]  
 [ لاله گلزار علم و وزارت ] [ کوکب گردون ندا و صدارت ]  
 [ آصف دهر همایون منقبت ] [ قیمه و اسلام لیک فطرت ]  
 [ مهر افلات وزارت و نوال ] [ سپهر در عودیات و جلال ]  
 [ محمد اقبال آصف فطرت ] [ یوسف عهد قصر حلقت ]  
 [ ابر نوان سپهر منزل است ] [ میر ابراهیم صبحی سعادت ]  
 [ مجدد شوکت صاحبزاده کون و مکان ] [ مهر برج درن و دنیا مهدوح یافرخان ]

### ب : قصیده مذکور :

رسیده ماه لوا آفتاب علم و امان  
 جهان عدل و یقین بدر چهره حاجی شد  
 مه نساط یقین ماه را د ابراهیم  
 پنهان اهل افادت و حیدر هر دو سرا  
 جواد بدر جهان آفتاب عدل و طرب  
 وحیدا کرم او و نیکت و زیب ناج الدین  
 سپهر برو وجود آفتاب جود و نوال

هلال کام و امل یوسف سپهر نواب  
 طر از کامرو اآ ختاب جود و مهان  
 بهار وا بر جمال آفتاب کبل جهان  
 مآب و اوچ طرب آفتاب جود و سران  
 وحید اطهر پا قدر و آصف شاهان  
 بیز و کمل علیک یقین بوج رادشاه جوان  
 عزیز فطلب جهان بدر بر شهاب زمان

عماد حلم و عطا دستگیر اهل جهان  
شهاب جودو عطا یادشاه نا موران  
مطاع ملک شهنشاه سایه سبحان  
سمای مجدو عطا قبله کاه تاجوران  
ایتاب سلطنت اور نگث زیر قطب زمان  
سود لوح ودل یادشاه ملک ستان  
شہ مہان و فلک قدر صاحب احسان  
ولی اهل جهان و شمنشہ دوران  
جهان عدل شرف بر گزیده یزدان  
م آب هر دو جهان نور عین شاهجهان  
جات اهل زمین یادشاه کون و مکان  
ملک فیاس و فیلک فدرو نائب رحمان  
معین روی زمین نیکنام شاه زمان  
جهان جودو سخا آسمان ندیده چنان  
تو داور دو جهان من قابل احسان؟  
طراف اهل هم جم صفت یناه جهان  
امام دهر ز بیتی چهار گونه بدان  
مدار اهل زمین باد تا بود دوران  
شہ ملکوک و میر بسی با فر گپلان

جهان بحکم توبادای امیر کون مکان  
بزرگث پادشاه ماه عربا کرم ملک  
جواد جمله شهبان اعدل ملک کردار  
روان سلطنت و اهل دل مه عالم  
شهاب روی زمین عادملک مهر کلاه  
سحاب مجدو کرم یادشاه عالم کبر  
حیات روی زمین مالک ممالک عدل  
شہ سپهر جلاز و مدار ملک کمال  
مدار ملک و عمل آفتاب اعماز زمین  
ستون امن و امن داور ملک آسا  
دری ز بحر یقین ماه ملک و مهر عطا  
سخنی جمله جهان و سلامه صلح  
لبیب ملک ستان کوه حلم اعدل دهر  
قوام امن و امن ماه عصر مهر اصم  
معین آشور جان ماه ساطع اسلام  
جلوس شاه همانیون مقام عالم کبر  
مبیع ملک علا جم نگین و موسی دست  
شفیع و قطب زمان ماه عهد کامروا  
عماد عدل و عطا سجد، کاه هفت افلم

۸ - این فصل در ۱۵ بیت حاوی تاریخ طبع ۱۷۷۰<sup>۱</sup> عزیمت حج شیخ میر ابراهیم  
ابن شیخ میر که از اعاظم سادات و مشائخ بوده میباشد که فرات تر آغاز آن هر جمله  
که در قویس گرفته میشود بیز علاوه مظہر تاریخ مذکور است و از ۱۵ بیت مذکور

( ۱۷۷۰ ) تاریخ یهین نهیج استخراج می شود که از هر یکی ازین سی مصraig سی تاریخ  
بر آید واز انضمام منقوطه مصرع نخستین با تقوطه هر یکی از مصاریع ۲۹ کانه نیز ۲۹  
تاریخ حاصل شود واز انضمام غیر منقوطه آن با غیر منقوطه هر یکی از مصاریع ۲۹ کانه  
با قبیه نیز ۲۹ تاریخ حاصل گردد و از انضمام منقوطه هر یکی از مصاریع  
۲۹ گانه با قبیه نیز ۲۹ تاریخ سائل شود و از انضمام غیر منقوطه آن با منقوطه هر یکی  
از مصraig ۲۹ کانه با قبیه نیز ۲۹ تاریخ حاصل گردد یعنی از انضمام مصاریع نخستین با مصاریع  
با قبیه بطریق که مذکور شد ۱۱۶ تاریخ حاصل گردد ذیرا که آن انضمام مشتمل بر ۱۱۶  
انضمام است که هر یکی از آن مظہر تاریخی است و از انضمام مصرع دوم با مصاریع  
۲۸ گانه با قبیه بروشی که ذکر یافت ۱۱۲ تاریخ حاصل شود و از انضمام مصرع سوم با  
مصاریع ۲۷ گانه با قبیه بطریق مذکور ۱۰۸ تاریخ حاصل گردد و از انضمام مصرع چهارم  
با مصاریع ۲۶ گانه با سلوب مذکور ۱۰۴ تاریخ حاصل گردد.

و بین منوال تواییغی که حاصل شود از انضمام مصراعی که بعد ازین اعتبار گشته با مصارع یادیگار مؤخر است از آن کمتر پس از پچهار از تواییغی که حاصل شده باشد از انضمام مصراعی که مقدم است برآن پیش مرتبه با مصارعی که مؤخر است از آن مصراع مقدم، تا آنکه منتهی گردد سلسله این ترتیب را انضمام مصراع [۲۹] بد [۳۰] بطريق مذکور واژین انضمام چهار تاریخ حاصل گردد و از همه انضمامات [۱۷۴۰] تاریخ حاصل شود و حاصل این انضمامات پاسی تاریخ که از تمام قصیده ۱۵ بیتی حاصل است [۱۷۷۰] تاریخ بحصول آید.

### الف : فرات نثر آغاز :

- [ بسم الرحمن الرحيم الوهاب البافى العظيم ]
- [ الحمد لله الواسع الدرا فمع المشهود ] [ و در و دنام عدو د برجهان پیناه بر گزیده معبود ]  
 [ و بر آل آن فطلب افلات نبوت عزیز الوجود ] [ و بر اصحاب ماه افلات اهل مهر سپهر جود ]  
 [ امام بعد این قصیده که در مدح نقد دوران ] [ ناصر گیتی صاحب زاده جهان و جهانیان ]  
 [ سرور اهل نجات و احسان ] [ رهبر سادات زمین و زمان ]
- [ محمد کرم و شوست ] [ شه دین بد ر حلقت ]  
 [ کوکب اوچ فتوت و اقبال ] [ حیدر قدرت سعادت نوال ]  
 [ یوسف کوئین حیدر صفت ] [ حمیده فعال عمر صوت ]  
 [ وزیر سما سده قدس منزلت ] [ سعادت علم و نوال و شجاعت ]  
 [ صدر اشراف و عالمیان ] [ قدس منزلت امام سران ]  
 [ زبده ابرار محمد صفت ] [ حیدر نژاد عالی فطرت ]  
 [ شمس پادشاهی و داش ] [ سر اهل هدایت و بیشن ]  
 [ لاله گلزار علم و وزارت ] [ کوکب گردون ندا و سدارت ]  
 [ آصف دهر همایون منقبت ] [ قیمه و اسلام لیک فطرت ]  
 [ مهر افلات وزارت و نوال سپهر در عودیات و جلال ] [ سپهر در عودیات و جلال ]  
 [ محمد اقبال آصف فطرت ] [ یوسف عهد قصر حلقت ]  
 [ ابر نوان سپهر منزلت ] [ میر ابراهیم صبحی سعادت ]  
 [ مجدد شوکت صاحبزاده کون و مکان ] [ مهر بر جردن و دنیا مهدوح یافرخان ]

### ب : قصیده مذکور :

رسیده ماه لوا آفتاب علم و امان  
 جهان عدل و یقین بدر چهره حاجی شد  
 مه نساط یقین ماه را د ابراهیم  
 پنهان اهل افادت و حیدر هر دو سرا  
 جواد بدر جهان آفتاب عدل و طرب  
 وحیدا کرم او و نیکت و زیب ناج الدین  
 سپهر بر را وجود آفتاب جود و نوال

هلال کام و امل یوسف سپهر نواب  
 طر از کامرو اآ ختاب جود و مهان  
 بهار وا بر جمال آفتاب کبل جهان  
 م آب و اوچ طرب آفتاب جود و سران  
 وحید اطهر پا قدر و آصف شاهان  
 بیز بر کش ملک یقین بوج را انشاه جوان  
 عزیز فطلب جهان بدر بر شهاب زمان

علی عطا و دول آفتاب سدر و امان  
مسبع کل و فلك رتبه عمامد اوان  
جلال عالم عز آفتاب کامروان  
کل جهان بقا عبد دور شیر زیان  
سحاب امن و شرف عبد کام احسان کان  
معز ملک عجم آفتاب دادگران  
سحاب جام و ادب چم صفت سپهر مکان  
عزیز و شمع جهان حی علم با قرخان

عمر حبا و عمل تاج دین وزین سپاه  
بنای عالم فتح و کلیم کوه کرم  
آب اوج عمل زین دین ملک سیرت  
بریهار وجود آفتاب امن و جمال  
بهارو مالک عزم نشان نکو افعال  
مه ملوک ام عین شرق فهم ابد  
طراز عدل کمال آفتاب حسن و جمال  
شریف و مامهان لب عهد و صادق دل

۹ - چون سید سبعان قلی خان بهادر بر تخت مملکت توران [ماوراء النهر] بتاریخ غرة محرم ۱۰۹۱<sup>۱]</sup> جلوس نمود [۱] محمد باقی خواجہ خزاری که در جمیع فضائل یکانه عهد بود فصیده انشاد کرده بعرض رسانید که هر مصراعش حاوی تاریخ سنه جلوس است و هو هذا:  
 مزدهای دل آمده از جود اعطاف ذوالجلال از بی فرمانروانی مقبل دریا نوال  
 وان سلیمان جام اسکندر اساس کی حشم  
 ملکدار عدل امن الله فی العالم رسید  
 حامی دین ابد سبحا نقلی خان آمده  
 از کمال جام و فرزیب نگین سلطنت  
 ماوراء النهر را کاین آب در جوی آمده  
 مد مددود جلال فر آوان سایه است  
 از دیاد فر دولت را همی جویند باز  
 لامع قدر جلال حی بتائید فبول  
 عالمی در مهد آسایش بیمار عدل او  
 ای فوام الدور سلطان سریر جام دین  
 سایه حق شام عالیقدر امان آل دین  
 آرزوی حلة و سه سمندت دائمی  
 داور جمیاه کیوان منزالت با لا مقام  
 نائب الرحمن جهانداری که فر عدل وی  
 با سبک روی اعلای کرم ابری بهار  
 آن جلوس او بر او رنگ جهانپانی کشید  
 باعث امن و امان آمد ذهنی اعطاف فبول  
 عدل او از بازوی ملک است چون حرز الامان  
 ای زاقبال معانی جذوه گر بر هر مکان

[۱] بیشتر مصاریع این فصیده که سنجیده شد حاوی عدد [۱۰۹۲] میباشد.

جورو بیداد فلک را کی بود قاب و مجال  
دا ورا با فر جاه تو چه می با لدنو ال  
عقد های عقل را از رأی او حل العقال  
مشکل آمال را از عقل او مدا نحلال  
می شود جمع عدو از دو لت او یا يمال  
بشنوی ازدم دم کوش بهم دم الکمال  
باعدو دولت او روح او فات زوال  
تا که آمد داور دارا مجال جم همال  
صف صفات از روحانیان در اوج این میبا جمال  
لمعه نور بها ری جلوه نار شمال  
بر پرند گل رود زان ماجرا آب زلال  
باشد اورا در کمال حال سال و فال وآل  
وی معین ملت دائم مبار کباد فال  
هست لاف عقل باوصف کمال او و بال  
نقشبندی کرده بازار طول اعجاز المقال  
آید از بیت الحرام دل بد سحر حلاپ  
مازد چون زندانی محبوس او هام خیال  
بند باشم در زوایای امل افسرده بال  
از جلوس قرب وی آمد موافق فدر سال  
باد با یار ابد اقبال آو دا نصال  
۱۱۱۴ در ارگ بخارا بن ۷۷ سال کی رو داده

فهر مان عدل وی چون امر اجلال آورد  
عدل آینا با قبات چه مینا زد کرم  
کند بنیاد از ستم نور نهیب عدل وی  
عقد پیجا پیچ گردون را شده او انحلا  
او بزم رزم هرجانب که افزاد علم  
در در کرنا او گویا لک الدر از دعا  
عین فهر او رسد بالای سرواندم دهد  
ملک والای و مهر وانجم آین بسته اند  
زین تعبیر مله سبحان الملک گویا همه  
فرشة آین نو روزی وا یا م جلوس  
داده آین جلوس شاه دین پرور فلک  
نور اجلال بنو کث مهجه اعلام فتح  
ای چهاندار آسمان قدر امبار کباد ملک  
کی رسد باجای مد حش یا یه فکر نزند  
سحر طور یهای در ک طبع معنی زای من  
قبله جان است دل بد کی امان جو بدد ران  
دل ز آسیب تعلق زیر این جای بلند  
تابعند ازرنگ این جم هیولانی محل  
باب عدل وی نگر باطی هر یک مصر هم  
تابود عالم اساس املاک یاقانون عدل  
وفات این یادشاه در تاریخ غرة ربيع الثانی

از ایات قطمه تاریخ اوست -

بتاریخ وفات او خلائق  
خرد هم نیز از روی دعا گفت

۱۱۱۰  
عدد روی دعا ۴  
سنه ۱۱۱۴

دشمنی  
محمد ابراهیم



علی عطا و دول آفتاب سدر و امان  
مسبع کل و فلك رتبه عمامد اوان  
جلال عالم عز آفتاب کامروان  
کل جهان بقا عبد دور شیر زیان  
سحاب امن و شرف عبد کام احسان کان  
معز ملک عجم آفتاب دادگران  
سحاب جام و ادب چم صفت سپهر مکان  
عزیز و شمع جهان حی علم با قرخان

عمر حبا و عمل تاج دین وزین سپاه  
بنای عالم فتح و کلیم کوه کرم  
آب اوج عمل زین دین ملک سیرت  
بریهار وجود آفتاب امن و جمال  
بهارو مالک عزم نشان نکو افعال  
مه ملوک ام عین شرق فهم ابد  
طراز عدل کمال آفتاب حسن و جمال  
شریف و مامهان لب عهد و صادق دل

۹ - چون سید سبعان قلی خان بهادر بر تخت مملکت توران [ماوراء النهر] بتاریخ غرة محرم ۱۰۹۱<sup>۱]</sup> جلوس نمود [۱] محمد باقی خواجہ خزاری که در جمیع فضائل یکانه عهد بود فصیده انشاد کرده بعرض رسانید که هر مصراعش حاوی تاریخ سنه جلوس است و هو هذا:  
 مزدهای دل آمده از جود اعطاف ذوالجلال از بی فرمانروانی مقبل دریا نوال  
 وان سلیمان جام اسکندر اساس کی حشم  
 ملکدار عدل امن الله فی العالم رسید  
 حامی دین ابد سبحا نقلی خان آمده  
 از کمال جام و فرزیب نگین سلطنت  
 ماوراء النهر را کاین آب در جوی آمده  
 مد مددود جلال فر آوان سایه است  
 از دیاد فر دولت را همی جویند باز  
 لامع قدر جلال حی بتائید فبول  
 عالمی در مهد آسایش بیمار عدل او  
 ای فوام الدور سلطان سریر جام دین  
 سایه حق شام عالیقدر امان آل دین  
 آرزوی حلة و سه سمندت دائمی  
 داور جمیاه کیوان منزالت با لا مقام  
 نائب الرحمن جهانداری که فر عدل وی  
 با سبک روی اعلای کرم ابری بهار  
 آن جلوس او بر او رنگ جهانپانی کشید  
 باعث امن و امان آمد ذهنی اطف فبول  
 عدل او از بازوی ملک است چون حرز الامان  
 ای زاقبال معانی جلوه گر بر هر مکان

[۱] بیشتر مصاریع این فصیده که سنجیده شد حاوی عدد [۱۰۹۲] میباشد.

جورو بیداد فلک را کی بود قاب و مجال  
دا ورا با فر جاه تو چه می با لدنو ال  
عقد های عقل را از رأی او حل العقال  
مشکل آمال را از عقل او مدا نحلال  
می شود جمع عدو از دو لت او یا یعال  
بشنوی ازدم دم کوش بهم دم الکمال  
باعدو دولت او روح او فات زوال  
تا که آمد داور دارا مجال جم همال  
صف صفات از روحانیان در اوج این میبا جمال  
لمعه نور بها ری جلوه نار شمال  
بر پرند گل رود زان ماجرا آب زلال  
باشد اورا در کمال حال سال و فال وآل  
وی معین ملت دائم مبار کیاد فال  
هست لاف عقل باوصف کمال او وبال  
نقشبندی کرده بازار طول اعجاز المقال  
آید از بیت الحرام دل بد سحر حلاپ  
مازد چون زندانی محبوس او هام خیال  
بند باشم در زوایای امل افسرده بال  
از جلوس قرب وی آمد موافق فدر سال  
باد با یار ابد اقبال آو دا نصال  
۱۱۱۴ در ارگ بخارا بن ۷۷ سالگی رو داده

فهر مان عدل وی چون امر اجلال آورد  
عدل آینا با قبات چه مینا زد کرم  
کنند بنیاد از ستم نور نهیب عدل وی  
عقد پیچا پیچ گردون را شده او انحلا  
او بزم رزم هرجانب که افزاد علم  
در در کرنا او گویا لک الدر از دعا  
عین فهر او رسد بالای سرواندم دهد  
ملک والای و مهر وانجم آین بسته اند  
زین تعبیر مله سبحان الملک گویا همه  
فرشة آین نو روزی وا یا م جلوس  
داده آین جلوس شاه دین پرور فلک  
نور اجلال بنو کث مهجه اعلام فتح  
ای چهاندار آسمان قدر امبار کیاد ملک  
کی رسد باجای مد حش یا یه فکر نزند  
سحر طور یهای در ک طبع معنی زای من  
قبله جان است دل بد کی امان جو بدد ران  
دل ز آسیب تعلق زیر این جای بلند  
تابعند ازرنگ این جم هیولانی محل  
باب عدل وی نگر باطی هر یک مصر هم  
تابود عالم اساس املاک یاقانون عدل  
وفات این یادشاه در تاریخ غرة ربیع الثانی

از ایات قطمه تاریخ اوست -

بتاریخ وفات او خلائق  
خرد هم نیز از روی دعا گفت

۱۱۱۰  
عدد روی دعا ۴  
سنه ۱۱۱۴

دشمنی  
محمد ابراهیم

